

ماهینامه

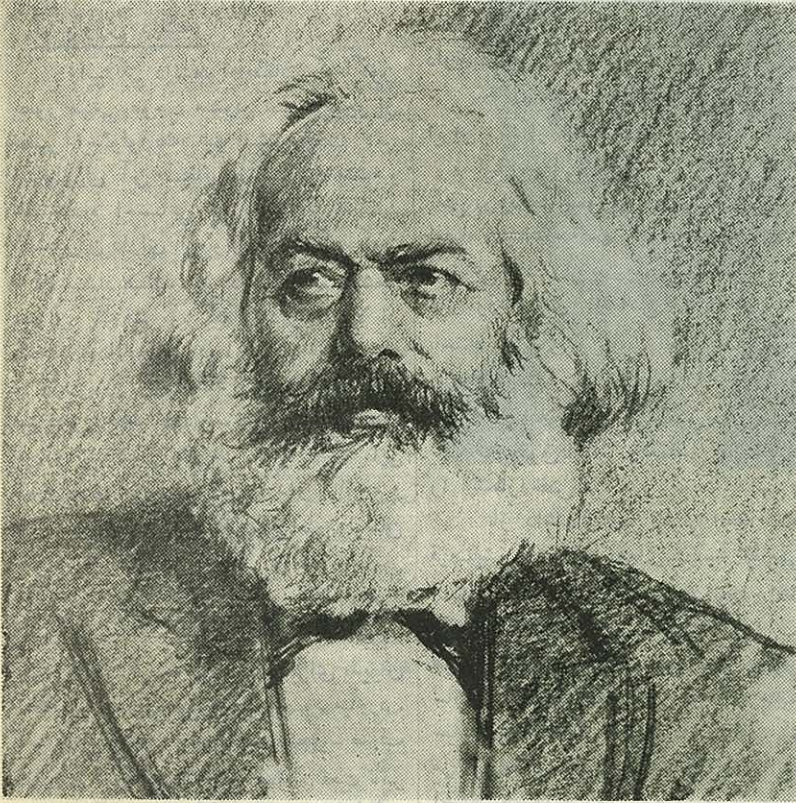
مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شعارهای
کمیته مرکزی
حزب توده ایران
بمناسبت
اول ماه مه

خوانندگان ارجمند «مردم»! متن دفاع مردانه یک کارگر توده ای - صابر محمدزاده را در دادگاه در بسته تجدید نظر نظامی صفحه داخلی این شماره بخوانید.

۱۵۰ سال از میلاد مارکس میگذرد



سیر حوادث جهان معاصر گذاشته است. مارکس میکثت فلاسفه تاکنون بانچه مخالف جهان را توضیح داده اند ولی مسئله برسر تغییر آنست. مارکس خود توانست به تهرمان کبیر تغییر انقلابی جهان مبدل شود (در باره مارکس و بورژوا آن بخش از آموزش او که بر تاریخ و جامعه و نطن مینا مربوط است در شماره بهاری مجله «دنیای» مقاله جداگانه ای درج خواهد شد.)

یک قرن و نیم از میلاد پیشوای داهی پروتاریای جهان کارل هنریش مارکس میگذرد. بدین مناسبت در میهن واقعی او جمهوری دموکراتیک آلمان در سراسر جهان مراسمی برپا میگردد. عظمت مقام مارکس که بزرگترین خصم علمی و اجتماعی نظام استعمار و استعمار است در آشت که امروز حتی دشمنان اجتماعی او معترفند که مارکس بیش از هر متفکر دیگری در تاریخ مهر و نشانی خویش را بر

کارگران و زحمتکشان شهر و ده ایران! کمیته مرکزی حزب توده ایران جشن اول ماه مه، جشن جهانی کارگران، روز رژه نیرومند کارگران همه کشورها را از صمیم قلب بهمه شما زحمتکشان ایران که در کارخانه ها، معادن، جاده ها، ساختمانها، بناگاهها، کارگاهها، کشتزارها، بکار و کوشش فرساینده مشغولید شادباش میگردد و برای شما کامیابی در مبارزه برای یک زندگی بهتر و شایسته تر را آرزومنداست. جشن ماه مه را برپا دارید. سنن جنبش کارگری و انقلابی ایران را عزیز شمردید. دنباله در صفحه ۵

مردم ایران از بهبود روابط ایران و شوروی پشتیبانی میکنند مسافرت اخیر رفیق آلکسی کاسیگین نخست وزیر شوروی بایران در بازدید از مسافر نخست وزیر ایران، حادثه مهمی در روابط حسن همجواری است که طی سالهای اخیر بین ایران و شوروی استقرار و گسترش یافته است و بیشک این روابط را وارد مرحله تازه ای میکند.

قرار بوری کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره جلسه مشورتی بوداپست

بوری کمیته مرکزی پس از مطالعه گزارش هیئت نمایندگی حزب توده ایران درباره جلسه مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری که از تاریخ ۲۶ فوریه تا ۵ مارس ۱۹۶۸ در شهر بوداپست منعقد بود و بررسی اسناد مربوط به جلسه مزبور تصمیمات زیرین را اتخاذ مینماید:

۱- بوری کمیته مرکزی فعالیت هیئت نمایندگی حزب توده ایران را در جلسه مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری بوداپست و همچنین اظهار نظر هائی را که ضمن این جلسه از جانب وی شده است مورد تأیید قرار میدهد. دنباله در صفحه ۵

طی این سالها یک سلسله قراردادهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی روابط ایران و شوروی را بر پایه نوبنی استوار کردم است. بسط محسوس حجم بازرگانی، انعقاد قرار داد راه ترانزیتی شوروی، ساختن سد و ایستگاه برق ارس، ساختن تعداد کثیری سیلو در سراسر کشور، ایجاد لوله گاز در شمال کشور و خرید گازی که تا کنون بهدر گرفته، بسط بندرهای خزر، اقدامات اکتشافی در مورد معادن ایران کمک وسیع به اجراء نقشه پنج ساله چهارم ایران، انعقاد قرارداد فرهنگی، ساختن کارخانه ماشین سازی در اراک و از همه مهمتر احداث کارخانه ذوب آهن دراصفهان بظرفیت ۶۰۰ هزار تن و غیره و غیره. چنین است فهرست ناتمامی از نتایج مشخص بهبود روابط ایران و شوروی طی سالهای اخیر. همه این قرار دادها، حتی باعتراف سخنگویان و مطبوعات دنباله در صفحه ۲

صد سال از تولد ماکسیم گورکی میگذرد

آلکسی ماکسیموویچ گورکی (پشکوف) یکی از بزرگترین نویسندگان روس و جهان بنیاد گذار ره آلیسم سوسیالیستی، در ۲۸ مارس ۱۸۶۸ متولد شد و در ۲۸ مارس ۱۹۶۸ صد سال از تولد او گذشت. بمناسبت این تاریخ خجسته در اتحاد شوروی وطن پرافتخار گورکی و در سراسر جهان از دنباله در صفحه ۵

افشاء اعمال ضد دموکراتیک دولت در برابر کنفرانس جهانی حقوق بشر

کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن نامه سرگشاده ای خطاب به کنفرانس جهانی حقوق بشر (سازمان ملل متحد) که از چهارم تا ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۴۷ (۲۴ آوریل تا ۱۳ مه ۱۹۶۸) در تهران تشکیل یافت اقدامات ضد دموکراتیک دولت ایران را که ناقض اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر است فاش ساخت. سواد نامه سرگشاده مزبور برای کلیه هیئت های نمایندگی شرکت کنندگان کنفرانس دنباله در صفحه ۲



نخستین انسان فضا در گذشت

جهانیان با اندوه تمام از مرگ نخستین انسان فضا، سرهنگ یوری گاگارین اطلاع یافتند. روز ۲۷ مارس ۱۹۶۸ سرهنگ گاگارین و سرهنگ مهندس ولادیمیر سیروگین در یک سانحه هوایی درگذشتند. خاکستر هر دوی آنها که در راه علم و ترقی قنی بشهادت رسیده اند طی مراسمی بر جلال و عظمت در دیوار کرملین جای داده شد. یوری گاگارین هنگام مرگ ۳۴ سال داشت. در ریمان جوانی و در اوج شهرت و محبوبیت جهانی بود. او پای انسان، آنهم انسان بزرگترین و نیرومندترین کشور سوسیالیستی جهان اتحاد جماهیر شوروی را به سامانه های اسرار آمیز سپهر گشود و آوای مغرور و مطمئن او را از آن سامان در سراسر سیاره نیل فام ما متعجب کرد و بهمین جهت «گریستف کلمب فضا» نام گرفت. او یک کارگر، یک ریخته گر ساده بود که از راه هواپیمائی شوروی پای در آموزشگاه خلبانی نهاد و از آنجا بلوچی که میتوانست برسد رسید. او مردی محبوب و صمیمی، وفا دار، بجزب و خلق خود بود و طی هفت سال اخیر که از پرواز کیهانش میگذرد در همه جهان شناخته شده بود. ما درگذشت این قهرمان شهید راه علم و فن و دوستش سرهنگ مهندس سیروگین را بفردم شوروی که پرونده او هستند تسلیم میکنیم و اطمینان داریم که از میان این مردم گاگارین های نوبنی برای احراز پیروزیهای درخشانی بر خواهند خاست. کمیته مرکزی حزب توده ایران باین مناسبت به کمیته مرکزی ح. ک. اتحاد شوروی نامه تسلیتی ارسال داشت.

دانشجو کیست؟

مشترک معینی هستند. این منافع مشترک معین منافع صنفی آنها بعنوان قشر دانشجو است.

ایدئولوژی دانشجو

وابستگی دانشجو به طبقات گوناگون بطور طبیعی موجب میشود که دانشجو از نظری ایدئولوژیک نیز بیشتر تحت تأثیر ایدئولوژی آن طبقاتی باشد که منشاء و خاستگاه اجتماعی او هستند. بدینسان دانشجویان دارای ایدئولوژیهای گوناگون و گاه متضاد هستند. ولی در اینجا هم دانشجو بعنوان یک قشر ویژه کیهانی دارد؛ اولاً از آنجا که دانشجویان در اکثریت خود وابسته به خرده بورژوازی هستند از نظر ایدئولوژیک نیز بطور عمده تحت تأثیر ایدئولوژی خرده بورژوازی قرار دارند. جنبه مثبت این ایدئولوژی در میهن پرستی و دموکراتیسم و جنبه منفی آن در ناسیونالیسم افراطی و نوسان سریع از یک قطب به قطب دیگر متعکس میگردد. ناآشنائی دانشجو با علم و فارغ بودن از مشکلات معیشت و شغل و مقام و شور جوانی آمادگی خاصی در وی برای پذیرش افکار نو و مترقی و انقلابی بوجود میآورد. این وضع موجب میشود که دانشجو - صرف نظر از اینکه وابسته بچه طبقه و تحت تأثیر چه ایدئولوژی باشد (البته مقصود ایدئولوژی های غیر پرولتاریائی است) بتواند از طبقه و ایدئولوژی خود ببرد و ایدئولوژی پرولتاریا را بپذیرد. ثالثاً همانطور که منشاء طبقاتی دانشجو در تعیین ایدئولوژی وی نقش مهمی دارد، امکانات آتی دانشجو در اجتماع نیز در این زمینه مؤثر است. زیرا دانشجو قشری است که سیال است، یعنی کسیکه امروز دانشجو است فردا از یکطرف دارای مقام اجتماعی معینی است و معمولاً زندگی مرفهی دارد؛ از طرف دیگر میتواند وارث موقع طبقاتی خانواده خود گردد.

نقش و وظائف دانشجو

دانشجو میتواند با پرورش خود بعنوان یک روشنفکر دانش خود را در خدمت پیشرفت اجتماع قرار دهد. دانشجو میتواند نیروی مادی و فکری خود را در راه آزادی ملت و میهن خویش از قید استعمار و استبداد و استثمار بکار برد. دانشجو - بویژه در کشور های کم رشد - میتواند در جنبشهای ملی و دموکراتیک شرکت مؤثر داشته باشد و یا با پذیرش ایدئولوژی و رهبری طبقه کارگر به راه مبارزه برای انقلاب بنیادی اجتماعی یا بگذارد.

در عمل گروهی از دانشجویان بخدمت طبقات حاکم در میایند و یا چون خود وابسته به طبقات حاکم هستند بدفاع از منافع طبقاتی خود میپردازند. گروه دیگری - صرفنظر از بستگیهای طبقاتی خود و با پشت پا زدن بمنافع طبقاتی خود - ایدئولوژی پرولتاریا را میپذیرد بدفاع از منافع وی میپردازد. و بالاخره می، که معمولاً اکثریت را هم تشکیل میدهد، بین خلق و طبقات حاکم

کنفرانس جهانی حقوق بشر

و همچنین برای سازمانهای غیر دولتی عضو شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد نیز که بعنوان ناظر در کنفرانس جهانی شرکت دارند ارسال گردیده است.

در این نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از آنکه تصمیم دائر به تشکیل کنفرانس جهانی حقوق بشر را در تهران یعنی در پایتخت کشوری که ذوات آن علی رغم امضاء زیر اعلامیه جهانی کلیه حقوق فردی و اجتماعی مردم را باهمال میکند متناقض باهدف های مورد ادعای کنفرانس جهانی تلقی مینماید بااستناد فاکتهای غیر قابل انکار نشان میدهد چگونه دولت ایران که خود را مدافع اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر میشارد یکایک حقوق انسانی و سیاسی مردم ایران را آشکارا نقض میکند.

باز داشتهای غیر قانونی، محاکمات فرمایشی در دادگاههای درسته نظامی، اعدامها، تبعیدهای خلاف قانون، انتقال خود سرانه زندانیان سیاسی بنقاط بد آب و هوا، شکنجه ها، رفتار غیر انسانی مأمورین سازمان امنیت، سلب حق دفاع از متهمین سیاسی جزء مسائلی است که در نامه کمیته مرکزی مشروحاً بیان شده مستلزمات اثبات گردیده است.

نامه سرگشاده نقض آشکار مواد ۱۸ و ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر دائر به آزادی عقیده، آزادی احزاب و اجتماعات، آزادی مطبوعات، آزادی سندیکائی و سایر آزادیهای دموکراتیک مردم را مطرح نوسان میکند. درجه افزایش کمی گروه مترقی تامواضع پرولتاریا، درجه افزایش کمی گروهی که بدنبال پرولتاریا بیاید و رهبری وی را بپذیرد و پیگیری و استواری دانشجو در مبارزه وابسته بسطح رشد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، سنت جنبش و مبارزه، اندازه نیروی جنبش، سیاست درست بشاهاک آگاه و مترقی و تأثیر تحولات بین المللی در جامعه مفروض است.

در دنیای کنونی بعلت قدرت و رشد روز افزون اردو گاه سوسیالیسم، جنبشهای کارگری و دموکراتیک و نهضت های آزادی بخش ملی و ورود قشرهای دموکراتیک جامعه در صف دانشجو و افزایش تعداد دانشجو در کشور های ستمدیده، امکان پذیرش افکار مترقی از جانب دانشجویان و در نتیجه فعالیت آنها در این جهت افزایش یافته و در آینده باز هم بیشتر افزایش خواهد یافت.

سیاست درست آنست که بدون برپا دادن و یا کم بها دادن به نقش اجتماعی و وظائف دانشجو از این زمینه مساعد برای جلب هر چه بیشتر دانشجویان به آرمانهای انقلابی و مترقی استفاده کند و نیروی مادی و فکری حد اقل اکثریت آنان را بخدمت صالح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم درآورد.

م. انوشه

مردم ایران از بهبود روابط ایران و شوروی پشتیبانی میکنند

دولتی بر پایه برابری حقوق و کاملاً در صرفه اقتصادی و سیاسی ایران منعقد شده و هم اکنون در رشد صنعتی و بهبود وضع اقتصادی ایران اثرات مشهود داشته است.

علت پشتیبانی بیکدیگر و بر شور ما از همان آغاز از بهبود روابط ایران و شوروی توجه بهمین نتایج مثبت برای اقتصاد و سیاست کشور ما بود. ما بخوبی میدیدیم که این بهبود موجب تضعیف مواضع امپریالیسم در ایران و ترقی کشور ماست و ترقی جامعه ما از نظر عینی امکانات مساعد برای بالا رفتن حد مقاومت آن در قبال اسارتگران امپریالیستی ایجاد میکند. اینکه میدان عمل مستقل رژیم، بر خلاف سالهای اولیه پس از کودتای ۲۸ مرداد کمابیش در برابر امپریالیستهای آمریکا و انگلیس بسط یافته و دولت ایران امروز متواند، برخلاف گذشته، در این یا آن نکته حساب جدا گانه خود را بمیان کشد، از جمله نتیجه تأثیر جان بخش بهبود روابط ایران و کشور های سوسیالیستی و در وهله اول اتحاد شوروی است. اگر روزی کسانی به صحت استدلال ما که میگفتیم بسط روابط ایران و کشورهای سوسیالیستی موجب تنگتر ساخته و باتکیه به فاکتهای انکار ناپذیر نشان میدهد چگونه رژیم ایران در داخل کشور ابتدائی ترین اصول دموکراتیک مردم را نقض میکند و در خارج میکوشد خود را مانند دولتی قانونی، دموکراتیک و ترقیخواه جلوه گر سازد.

کمیته مرکزی در این نامه نه تنها از زندانیان سیاسی عضو حزب توده ایران، نه تنها از آزادی عقیده، آزادی قلم و بیان و آزادی اجتماع برای معتقدین به حزب توده ایران سخن گفته بلکه از کلیه زندانیان سیاسی، از حقوق حقه عموم سازمانهای لیورسیون دموکراتیک دفاع نموده است. نامه سرگشادها افشاء اعمال غیر انسانی و ضد دموکراتیک رژیم ایران نظر کنفرانس جهانی حقوق بشر را بساین نکته معضوف داشته است که صداقت در مورد اصول مندرجه در اعلامیه جهانی حقوق بشر مستلزم اتخاذ تصمیمات قاطعی در جهت اجراء این اصول است.

در پایان نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به کنفرانس چنین اعلام میدارد: «هیچگونه پندار خوش بینانه ای درباره ترتیب اثر دادن کنفرانس به مندرجات این نامه نداریم زیرا تا کنون همه نامه ها و شکایات ما بکمسیون حقوق بشر بدون اثر مانده است. با وجود این امیدواریم که حد اقل این نامه بتواند محرک کنفرانس در جهت اتخاذ تصمیمات مؤثری بمنظور اجراء واقعی اصول اساسی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دفاع از این اصول بویژه در برابر دولت های استبدادی نظیر آن دولتی که در کشور ما وجود دارد باشد تنها و تنها در این جهت است که ما خواهان موفقیت در امور کنفرانس هستیم.»

شدن یا نگاه امپریالیسم در ایران است بی نمیردند، اینک میتوانست با تکیه و واقعات، به صحت آن قضاوت بی ببرند. بهمین جهت است که قاطبه مردم ایران بهبود روابط ایران و شوروی را با خرسندی عمیق تلقی میکنند. استقبال شورانگیز مردم از رفیق برژنف و اخیراً از رفیق کاسیگین خود نمودار این تأیید عمومی است. در جریان مسافرت رفیق کاسیگین از ظرف سازمان حزب ما در تهران تراکتهائی بخش شد که منعکس کننده قضاوت مردم است. از آنجمله در این تراکتهای چنین میخوانیم: «هر گام که در جهت دوستی ایران با کشور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برداشته شود ضربه ایست بر نفوذ استعمار و امپریالیسم در ایران... که کتهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی ضامن استقلال، ترقی و رفاه عمومی خلفای ایران است.»

ما از همان آغاز بهبود روابط ایران و شوروی، مسئله ضرورت گسترش و تعمیق این روابط را مطرح ساختیم. زندگی نشان داد که خواست ما که همان خواست مردم ایران است چه اندازه با مصالح کشور منطبق بوده است. تجربه همچنین نشان داد که نظر دائمی حزب مادر باره تأثیر زیان بخش و اسارت آور سیاست امپریالیستی در ایران نیز چه اندازه منعکس کننده واقعیت است. این امری است که دیگر، در این یا آن مورد مشخص، مورد اعتراض سخنگویان و مطبوعات دولتی نیز قرار میگیرد. چه نتیجه ای باید از این واقعات گرفت: تعمیق باز هم بیشتر روابط با کشورهای سوسیالیستی، بکوتاه کردن دست امپریالیستها از ایران، هنوز از کلیه امکانات و ذخائر عظیم بهبود و گسترش روابط ایران و کشورهای سوسیالیستی استفاده لازم نشده است و هنوز مواضع مهم و کلیدی اسارت آور اقتصادی، سیاسی، نظامی و تبلیغاتی امپریالیست ها در کشور ما دست نخورده باقی مانده است. لازمه یک سیاست مستقل بیکدیگر برچیدن این پایگاههای اسارت بار، مقابله با تحریکات و دسائس امپریالیستی برای دفاع از منافع حیاتی میهن ماست. شرایط عینی جهان امروز برای کشورهای نظیر ایران امکانات مساعد فراوانی از جهت مقابله با امپریالیسم برای حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی خود فراهم ساخته است. روشن است که مردم ایران و حزب ما بعنوان منعکس کننده منویات زحمتکشان این کشور از هر اقدام مشخصی که در جهت دفاع از منافع و استقلال واقعی کشور بععل آید، حمایت خواهند کرد.

ما در گذشته از بهبود روابط ایران و شوروی با تمام قوا پشتیبانی کردیم، زیرا بحقیقت آن باور داشتیم و در آینده نیز با ایقان بهمین حقانیت، چنین خواهیم کرد.

متن دفاع رفیق کارگر ما صابر محمد زاده در دادگاه تجدید نظر نظامی



روز ۲۸ اسفند ساعت ۲ بعد از ظهر رفیق صابر محمد زاده را بزندان رضائیه تبعید کردند.

برادری رفتار نمایند. مگر ملت ایران با مات فرانسه و ایضا دیگر کشورها چه اختلافی دارد؟ چگونه آزادی احزاب و اجتماعات در آنجا بوسیله دولتها حمایت و پشتیبانی میشود؟ آیا آنچه که سازمانهای انتظامی با مردم رفتار میکنند و اینکه میگویند افراد جامعه با هم برابرند و باید با هم با روح برادری رفتار کنند مفهومی همین است که با ما رفتار میشود؟ اینست معنی برادری که دو کارگر ساده را که در یک سازمان اجتماعی قبول عضویت کرده‌اند مجرم تشخیص دهند و در ردیف جانیان به محاکمه بکشانند؟ در ماده ۲ میگویند هر کس میتواند بدون هیچگونه بیم و ترس از عقیده سیاسی و کلیه آزادی‌بهایی که در اعلامیه حقوق بشر ذکر شده بر خوردار باشد، من نماندیم شما این مواد را بچه مناسبت در کتابها می نویسید و در دانشکده حقوق تدریس میکنید؟ و اینطور تظاهر مینمایید که آنرا قبول دارید و متکی بدان هستید. وقتی فردی بتواند بدون هیچگونه بیم و ترس از عقیده سیاسی خود دفاع کند پس چرا مانعاید بمانیم؟ مگر ما جزء افراد زنده و بالاخره جزء بشر عصر کنونی نیستیم؟ کیفر خواست اینطور مدعی است که نوع جرم یعنی اتهام متبینه باینجناب از درجه خیانت می باشد و اعمال آن منطبق است با بند یک از ماده یک قانون مقدمین علیه امنیت و استقلال مملکت و در واقع میگویند که عضویت در حزب توده ایران از اینجهت جرم است که امنیت و استقلال کشور بوسیله این حزب در مخاطره می افتد. اولاً بد نیست بدانیم که چرا با وجود اینکه در چند سال گذشته در قوانین جاری مملکت و حتی در قانون اساسی مکرر دستکاری شده و بسیاری از مواد تغییر و تبدیل پیدا کرده (به بهانه اینکه برخی از مواد قانون با اوضاع و احوال و پیشرفت کنونی کشور وفق نمیدهد و میباید تغییر کند) اگر اینطور است پس چرا بند ۱ ماده ۱ که از ماده ۶۰ مربوط به قانون مصوبه در سال ۱۳۱۰ اقتباس شده تا کنون تغییر نکرده است؟ چرا مواد دیگری

از طرف دادگاه بدوی باختصار سخن گفته و سپس بتفصیل وارد دفاع اصولی از حزب توده ایران بشود. ما این بخش از دفاعیه رفیق صابر محمد زاده را اینک بنظر خوانندگان میرسانیم. دفاعیه رفیق صابر از اینجهت ذیقیمت است که دفاعیه یک کارگر آگاه توده ای است که با زبانی ساده و از روی فهم و درک کامل وظایف خود از حزب خویش و راه و مردم آن مردانه دفاع میکند. پس از دفاعیات رفقا خاوری و حکمت جو این دفاعیه نشان میدهد که مبارزه توده ای در کشور ما ادامه دارد و از درون مبارزه افرادی دلیر و سرسخت که هیبت رژیم و سازمان امنیت آنها را هراسان نمیسازد بر میخیزد. جا دارد که رفتار مردانه رفقا حکمت جو، خاوری، آصف رزم دیده، صابر محمد زاده برای کلیه مبارزان توده ای سرمشق قرار بگیرد.

خوانندگان گرامی مردم، اطلاع دارند که رفقای کارگر ما صابر محمد زاده و آصف رزم دیده پس از کشف مطبوعه مخفی «ضلع مردم» و «شعله جنوب» در اردیبهشت ماه ۱۳۴۶ در تهران توقیف شدند. این رفقا پس از هشت ماه بلا تکلیفی در ۱۸ دیماه ۱۳۴۶ در دادگاه بدوی در بسته نظامی محاکمه و بر ترتیب به ۶ و ۵ سال حبس و سپس در ۱۸ بهمن ماه ۱۳۴۶ در دادگاه تجدید نظر در بسته نظامی بر ترتیب به ۷ و ۶ سال حبس محکوم گردیدند. متن دفاعی که اینک بنظر خوانندگان ارجمند میرسد منطبق به رفیق کارگر ما صابر محمد زاده است که در دادگاه تجدید نظر بطور ناقص قرائت شد زیرا دادگاه فرمایشی از ادامه قرائت آن جلوگیری کرد. رفیق صابر محمد زاده متن کتبی دفاع را در اختیار دادگاه گذاشت. رفیق صابر محمد زاده در آغاز دفاع در باره رأی صادره

بجای آن قرار نگرفته است که با وضع کنونی جهان خاصه ایران وفق بدهد؟ بهمن مناسبت است که عده ای نخواستند و یا قانع آنان اینجاب نکرده است که در این ماده قانون نیز تجدید نظر نمایند. وانگهی باید منصفانه قضاوت کرد مگر نه اینست که حزب توده ایران تنها حزبی است که با امیرالایسم و ارتجاع داخلی از سالها پیش با بنظر مبارزه میکند و از مداخلات ناروای بیگانگان در امور داخلی مملکت ممانعت مینماید؟

اگر سازمانهای وابسته به حزب توده ایران در ادامه برنامه خود آزاد بودند و به آنها اینطور بیرحمانه حمله نمیشد آیا آزادی در مملکت ما به چنین روزی میرسید که امروز کمترین آثاری از آن نیست؟ نه مجلس، نه دولت، نه رجال سیاسی، نه طبقات دیگر مملکت هیچکدام نمیتوانند کمترین مداخله ای در امور داخلی مملکت خودشان بکنند. حتی مطبوعات که با اصطلاح رکن چهارم مشروطیت است کمترین نقشی در راه تأمین آزادی و احقاق حق افراد کلا و جزئاً نمیتوانند بکنند. ادامه این وضع بنفع چه کسی است؟ اگر این آزادی کشی و معوج کلیه آثار دموکراسی از ناحیه افراد و رجال داخلی سرچشمه میگردد چرا و بچه سبب است؟ و اگر بیگانگان و بالاخره امیرالایسم جهانی بمنظور استثمار باز هم بیشتر ملت ما وضع موجود را ایجاد کرده است پس نقش ملت در اینکار چیست؟ چرا و چگونه و به چه مناسبت میبایست ساکت نشست و با آنها اجازه داد در امور داخلی کشور ما به هر شکلی که بخواهند مداخله کنند و از عواید سرشار و منابع طبیعی کشور ما مانند نفت و غیره نفع ببران ببرند. پس ناگزیرم با آقایان عرض کنم که انتخاب چنین رویه ای نسبت به یک حزب مدافع استقلال و مبارز، بخصوص که با استثمار دشمنی آشتی ناپذیری دارد، به نفع ملت ما و استقلال مملکت ما نیست. متوقع هشتم شما که افراد تحصیل کرده و سرباز مملکت هستید باین گزارشهای واهی و بی اساس چند مأمور سازمان امنیت ترتیب اثر ندهید. آنها از همه جا و همه چیز بی اطلاع هستند. جز شهرت طلبی و استفاده های کلان مالی بعنوان پاداش و حقوق و حسن خدمت نشان دادن نظری ندارند. ناگزیرند بازاء مبالغ کلانی که هر ماه دریافت میکنند بالاخره گزارشی هم تنظیم بکنند و هر چند صباحی یکبار به خانه و کاشانه این و آن هجوم بیاورند و بالاخره بقول خودشان «وظیفه ای» را انجام دهند. اصولاً اعضاء حزب توده ایران و بطور کلی این حزب ملی و مترقی را نمیتوان با یک سلسله الفاظ و عبارات و بانگ چند ماده با اصطلاح قانونی که در عصر کنونی به چوچه با پیشرفت و ترقی مملکت و ارتقاء افکار عمومی وفق نمیدهد دنباله در صفحه ۴

و حراست حقوق طبیعی مردم یا برای از بین بردن حقوق طبیعی و محدود کردن افراد؟ آنچه مسلم است و حتماً آقایان هم اطلاع دارید در قوانین اساسی کشور های مختلف از جمله در قانون اساسی ایران تصریح شده است و از نظر بین المللی نیز سازمان ملل متحد که یک مجمع جهانی است حقوق طبیعی مردم جهان را در اعلامیه جهانی حقوق بشر موکداً تصریح نموده و ایران عضو رسمی این سازمان بین المللی است و حقوق طبیعی مردم جهان را خدشه ناپذیر اعلام کرده و ذیل اعلامیه نامبرده را امضا کرده است. پس با اینوصف آیا مجریان قوانین کشور های مختلف از جمله ایران حق دارند تحت عناوین و بهانه های مختلف حق طبیعی مردم را از بین ببرند؟ بدون شک جواب این سؤال منفی است زیرا هیچ قانونی در جهان وجود ندارد که بتواند حق طبیعی و مسلم مردم را که تشکیل احزاب و اجتماعات سیاسی یکی از آنهاست از بین ببرد بلکه بر عکس حفاظت و نگهداری حقوق طبیعی مردم از انواع دستبردها از وظایف حتمی مصادر امور است. حالا خواهش من این است که آقایان بهن بفرمایند، داشتن فکر و عقیده سیاسی و پیروی از یک فلسفه عامی آنهم فلسفه ای که اکثریت مطلق جوامع بشری بدان گرویده و آنرا قبول دارند طبق کدامیک از قوانین جرم است؟ آیا خارج از مصوبات بین المللی است؟ و تکلیف ایران در این میان چیست؟ چرا افراد آن نمی باید بتوانند از آزادی قلم و بیان و اجتماعات برخوردار گردند؟ من خیال میکنم حقیقت اینست که هیچیک از دولتها نتوانند این حق مسلم را از جامعه ای سلب کنند و یا آنرا محدود نمایند و باز تصور میکنم احتیاج به تکرار نباشد که هر نوع عملی که مردم را از رسیدن به حقوق حقه آنها ممنوع دارد و آزادی را از آنان سلب نماید یا مانع تشکیل اجتماعات ملی باشد خود اینکار جرم آشکار است. حالا برای اینکه مطلب متکی به مواد قانونی باشد بد نیست از اینکه به ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر که از هر حیث معتبر و ایران عضو رسمی آن است توجه فرمائید، ماده مزبور میگوید که تمام افراد بشر آزاد بدنمایند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند و باید با هم با روح

... در کیفر خواستی که علیه اینجناب تنظیم شده است اشاره شده که اینجناب عضو حزب توده ایران بوده‌ام و خود نیز بآن اعتراف دارم بنابراین برای اینجناب و رفیق به استناد بند ۱ و ۲ از ماده ۶۰ تقاضای ۳ تا ۵ سال محکومیت شده است اینک تقاضا دارم به عرایضم توجه فرمائید؛ در اینکه اینجناب به عضویت در حزب توده ایران اعتراف کرده‌ام و بجزیم علاقمند حرفی نیست اما عضویت در حزب توده ایران را جرم نمیدانم و به همین دلیل هم فکر میکنم که آقایان اعضاء محترم دادگاه با یک حادثه غیر عادی روبرو نیستند. زیرا افراد یک جامعه همانطوریکه در قانون اساسی ایران تصریح شده و دانشمندان و علمای حقوق کشور های مختلف نیز اعلام داشته‌اند دارای حقوقی هستند و حقوق اصولاً بدو قسمت تقسیم میشود، یک قسمت حقوق طبیعی و قسمت دیگر حقوق وضعی است. حقوق طبیعی قواعد و مقرراتی است که دائمی و عمومی میباشد مانند آزادی شخصی، مساوات در مقابل قانون، آزادی مشاغل آزادی عقیده منهدمی و سیاسی و فلسفی و غیره. و اما حقوق موضوعه حقوقی است که در هر کشور وضع میشود و دائمی و عمومی نبوده بلکه تابع کیفیات زمان و مکان و اوضاع و احوال معینی است. من از آقایان محترم سؤال میکنم آیا داشتن فکر و عقیده سیاسی و پیروی از یک فلسفه علمی که امروز جنبه جهانی بخود گرفته و بالاخره عضویت در یک حزب سیاسی که جزء حقوق طبیعی افراد یک جامعه است جرم است؟ و اگر جرم است در برابر کدام قانون و کدام مجلس آنرا جرم شناخته است؟ آیا قانون تا کنون بدسته یا عده ای که مجری آن میباشد چنین اجازه و اختیاری داده است که بتوانند حقوق طبیعی افراد یک جامعه را با قوانین موضوعه که تابع شرایط زمانی و مکانی بوده مخصوصاً در یک اجتماع طبقاتی که قوانین موضوعه جنبه طبقاتی دارد از جمعی افراد سلب نمایند و آنها را مانع شوند از اینکه بخواهند در سرنوشت سیاسی و ابراز عقاید خود آزاد باشند؟ وانگهی اصولاً میخواهیم بدانیم که از نظر قانون اساسی حقوق موضوعه برای چه بوجود آمده است؟ آیا برای پشتیبانی

متن دفاع صابری محمدزاده

نقی کسرد. من خیال میکنم منظور مصادر امور باینکه حزب توده ایران را مخالف با استقلال و تمامیت ارضی کشور میدانند از این نظر باشد که این حزب چون از نظر ایده‌ئولوژی علمی تابع خط و مشی خاصی است و از اینکه کشور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هم از نظر ایده‌ئولوژی و تحت رهبری حزب برادری است که در رأس همه احزاب و پیروان این مکتب قرار دارد. بنا بر این یک توضیح مختصر در این باب میدهم: تاریخ گذشته نشان داده و خود شما خوب میدانید که در رژیم سوسیالیستی اصولاً استثمار و استعمار وجود ندارد. کشور شوروی از همین جنگ گذشته تا کنون همیشه و در همه حال بیاری بسیاری از کشورهای کوچک و ملل ضعیف شتافته و بآنها از نظر مادی و معنوی بدون اینکه کوچکترین چشم داشتی داشته باشد کمک کرده است. یک مثال خیلی ساده. شما آقایان خوب میدانید که قبل از پنجاه سال پیش تا کنون دولتهای ایران مکرر خواستند که کشور ما را از نظر صنعتی یک گام به پیش برند نتوانستند زیرا امپریالیسم برای آب کردن تکه آهنواره‌های خود در کشور ما نخواست است و همیشه مانع شده که اینگونه کارخانه ذوب آهنی که قبل از شروع جنگ دوم جهانی آماده نصب و همه مقدمات آن فراهم شده بود از بین رفت و معلوم نشد اصولاً قطعات آن و دیگر ابزار کار آن چطور شد و سالها در این باب با ما بازی کردند و ما را سرگرم نمودند. مملکتی که ملتش حقاروی طلا بسر میرد معدنک به خاک سیاه و گرسنگی گرفتار شده است و تمام عواید آنرا بطریق مختلف بنفع خود میرند و اما همین کشور دوست و همسایه شمالی ما نه تنها هیچگونه طمع ارضی و مداخله ای در کشور ما نداشته است بلکه امروز برادرانه بیاری ما شتافته و بما کارخانه عظیم ذوب آهن را داده که امیدواریم قریباً نیز شروع بکار نماید و کشور ما را از نظر صنعت و تکنیک جلو ببرد. بنا بر این میخواهم عرض بکنم که پیروی از ایده‌ئولوژی مارکسیسم - لنینیسم که ملت شوروی الهام بخش و همچنین پایگاه ابتدائی آنست چگونه و بچه ترتیب میتواند منحل نظم و یا استقلال کشور ما تلقی گردد؟ انصافاً بفرمائید تا اکنون چه چیز از ما برده و چه نفعی انتظا داشته با دارد؟ یک کشوری که از راه خرید گاز نفت که میلیونها تن از آن بهدر میرود و در هوا پخش میشود یک کارخانه عظیم ذوب آهن با تمام وسائل در اختیار ما میگنارند که باعث رشد سریع صنایع ملی و ترقی تکنیک ما خواهد شد، در چنین صورت آیا دولت مذکور واقعاً قصد سوئی نسبت به کشور ما دارد، چشم‌طمعی نسبت بمنافع ملت ایران دارد؟ گر چه اساساً ذکر این مسئله بنظر خود من هم زائد میرسد ولی بعنوان توضیح و روشن شدن ذهن آقایان عرض شد، زیرا ششخانه زمامداران کنونی کشور ما باین

واقعیت پی برده اند که دوستی و احترام متقابل و برقراری روابط حسنه بین ما و کشور شوروی بنفع ماست. کما اینکه یک سلسله رفت و آمد ها مذاکرات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی از جنسی با بنظر شروع شده و همین جنسی پیش اگشر رجال ما بمناسبت جشن یاد بود پنجاه ساله انقلاب اکثر ازلنن پیشوای بزرگ انقلاب و بنادگذار حکومت شوروی به نیکی یاد کرده اند و برای آن احترام خاص قائل شدند. بنا بر این حزب توده ایران حزبی است که با ثنوری مارکسیسم لنینیسم مجهز و از نظر فلسفی بیرو مائرتالیسم دیالکتیک است. حزب توده ایران حزبی است که در اعماق قلب مردم رخنه کرده و مانند خورشید فروزان سر بیرون آورده و با اشعه زربین خود تاریکهای این اجتماع را روشن کرده و حقایق را عریان مسازد. حزب ما بمثابه مشعلی است فروزان که در پیشابیش طبقه کارگر ایران و در دست نیرومند و خلاق آنان قرار دارد و راه نجات طبقه رنجیده و سازنده را از فقر و بدبختی و تناقضات اجتماعی نشان میدهد. حزب توده ایران حزبی نیست که از روی مصلحت بوجود آمده باشد، حزبی است که ضرورت زمان و شرایط اجتماعی آنرا بوجود آورده، حزبی است دارای تاریخ طولانی مبارزات سیاسی و بالاخره حزبی است که در راه احقاق حقوق اکثریت مردم ایران مبارزه میکند و در راه برآورده ساختن آرمانهای طبقه کارگر ایران و همه زحمتکش و میهن دوستان از بدل هیچگونه مساعی دریغ نمیکند. آیا چنین حزبی را میتوان تنها بعلت اینکه عمر یا زید خوششان نمایند و منافعشان را در موجودیت حزب توده ایران نمیبیند منجمله اعلام کرد و غیر قانونی تلقی نمود؟ کدام قانون میتواند در برابر خواست جامعه مقاومت کند و افکار عمومی را نادیده بگیرد؟ رهبر شهید ماد اکثر تقی ارانی میگوید «فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع مردم باشد». باین ترتیب پیداست که هر قانونی بر خلاف جهت نفع عمومی وضع گردد معتبر نمیتواند باشد همه میدانم که در اجتماع ایران هیچگونه امکان برای تجمع افراد و تشکیل سازمانهای خود برای گرفتن حقوق سیاسی و اجتماعی خود وجود ندارد، کوچکترین امکان تجمع حتی برای ۶ نفر وجود ندارد و نوشته‌ها مکرر سانسور میشوند، چاپخانه‌ها در مضیقه هستند و حتی نشر کتب علمی بدون اینکه از نظر سازمان امنیت بگذرد و موافقت آن جلب شود مقنور نیست. این محدودیتها بدون شك نتیجه معکوس دارد و نمیتواند برای همیشه دوام داشته باشد. زیرا ملت ما در عصر حاضر از خواب غفلت بیدار شده و خوب میدانند که آزادی از لوازم اولیه زندگی است و با آزادی حتی بیش از نان و آب احتیاج دارد. با ادامه وضع کنونی یک محیط خفقان آمیزی که وجود دارد ادامه می‌یابد و بعده زیادی اجازه فعالیت نمیدهند، اما برای حزب توده ایران که اساساً علت وجودی آن، خط مشی آن و هدف آن مشخص است افزایش خفقان همانطور که

ثابت شده است نمیتواند جلوی مبارزاتش را بگیرد. بهر صورت که بر شدت فشار افزوده شود افراد آن در صدد پیدا کردن راه حل دیگری برمیآیند. شما خیال میکنید که این تنها منم یا رفیق کارگر منست که مأمورین سازمان امنیت ما را بگیرند و وسائل ما را بغارت برده بعد هم بعنوان دو متهم جنائی در اختیار شما بگذارند؟ از کجا میدانید که صد ها و هزار ها افراد دیگر همچنان بکار خود ادامه ندهند؟ من میخواهم امروز خیلی صریح و صادقانه و در واقع بزبان یک کارگر با شما صحبت بکنم. مطلبی را که میخواهم بگویم این است: افکار عمومی اینطور قضاوت میکنند که محاکم نظامی استقلال ندارند زیرا احکام محکومیت من و رفیقم و دسته‌ها و افراد دیگر قبلاً بوسیله دیگران تهیه و تنظیم شده و دادگاههای نظامی در حقیقت مأمور ابلاغ آن هستند و جز اجرای یک سلسله تشریفات صوری و ظاهری نقش دیگری ندارند. چرا میباید اینطور باشد؟ اگر اینطور نیست نشان بدهید و ثابت کنید که فعالیت سیاسی برای هیچکس نباید جرم باشد و برای نمونه یکبار هم که شده است این پرونده‌های بی اساس و اتهامات واهی را بدور بریزید. بجای ما تشکیل دهندگان آنرا بابتجا بکشاید و راه درآمد یا باصلاح ناندانی آنها را قطع کنید، نشان بدهید که در این مملکت آزادی هست و باید افراد در انتخاب سرنوشت و آینده خود مختار باشند. این سلسله الفاظ و عبارات را که بحزب توده می‌بندند و ناجوانمردانه بان نسبتهای ناروا میدهند دور بریزید. حزب توده ایران تنها حزبی است که با ایده‌ئولوژی علمی تا کنون در ایران بوجود آمده و ریشه‌های عمیق و طولانی در بین طبقات مختلف مردم دوانده است. کارگران، دهقانان، روشنفکران و بالاخره تمام آندسته از زحمتکش این مملکت وعده اینکه با کار و زحمت زندگی میکنند منافع و سعادت آتی خود را در پناه حزب توده ایران یافته اند و با رضایت خاطر بان گرویده اند. منم که کارگری هستم پس از مطالعات طولانی و بررسی‌های مختلف عضویت حزب توده ایران را قبول کرده‌ام. من یک انسان توده‌ای هستم، به مملکت و استقلال وطنم و آزادی هم میهنانم و آسایش تمام افراد کشورم از صمیم قلب علاقمندم. مبارزه من صرفاً بمنظور بهبود وضع طبقه کارگر، مبارزه با امپریالیسم جهانی و قطع مداخلات بیگانگان در امور داخلی کشور میباشد. من روزنامه و مجله میخواهم، رادیو گوش میدهم و تلویزیون میبینم، در میام که چطور هر روز امپریالیسم خونخوار امریکا از آنسوی اقیانوسها در ویتنام چه میکند، چگونه هر روز با چه وضع بیرحمانه خون مستی مردم بیدقاع و زنان و کودکان را به زمین میریزد. دیروز با کره چه کرد، کنگو چگونه بخاک و خون کشیده شد، در کوبا برای اینکه آزادی مردم را از بین ببرد دست بچه جنایاتی که نزد؟ هم اکنون در کشور های اطراف میهن ما بر علیه کشور های عربی یا تحریک مستی سرمایه داران اسرائیلی چه آشوبی بیا کرده اند. اسرائیل

به پشتیبانی امریکا بفاصله چهار روز جنگ چندین هزار نفر مردم را بیدار نیستی فرستاد. آقایان قضات محترم، ما را آزاد بگذارید. باین یک یا دو ماده ای که بدان نام قانون گذاشته‌اند و مربوط به سالهای قبل است ترتیب اثر ندهید. بگذارید که مستی مأمور استفاده جیو و خود سر فقط به طمع اندوختن مال و منال و برای حفظ جاه و مقام همه قوانین حتی قوانین انسانی و اخلاقی را زیر پا بگذارند، بخانه و کاشانه مردم بتازند و در برابر چشم زن و بچه مردم افرادی را از آغوش خانواده هایشان بر بایند و بزندان بکشاند. کجای استقلال مملکت و امنیت جامعه بوسیله ما یعنی اعضای حزب توده ایران به مخاطره افتاده است؟ مبارزه با ما یعنی حمایت و جانبداری از استعمار، یعنی کشاندن مردم به فقر و بدبختی، یعنی جانبداری از استثمار و بهره کشی بیرحمانه مردم زحمتکش. مگر واقعا شما نمیبینید و نمیدانید که بما چه می‌گذرد؟ شما که اختیار دارید، شما که قدرت دارید، چند روزی لباس سربازی از تن بدر آورید و در اختیار من قرار گیرید تا شما را برما کز و محلها بیرم تا ببینید چه جنایاتی اتفاق میافتد و انجام می‌گیرد. خواهید دید که چگونه صدها و هزارها نفر از مردم سرگرسنه بر زمین میگنارند. نان خواستن، آب خواستن، طالب فرهنگ و بهداشت بودن، بیدار کردن مردم، بوجود آوردن نهضتهای ملی و بالاخره طلب آزادی و آزادگی از برنامه‌های علمی حزب ماست. چگونه و چرا باید این عمل جرم شناخته شود؟ چرا باید پیروان یک مکتب سیاسی را بنام مجرم و بنام جنایتکار بمحا که بکشاند؟ دقت کنید! قبل از شما اینطور رفتار کردند و در کشورهای دیگر هم اینطور کردند؟ آیا اثری از آنها باقیست؟ اما ملت و ملتها همچنان کوهی از سنگ بر جای خود ایستاده اند. من انتظار دارم نه تنها ما را تبرئه کنید بلکه متوقع شهادت و جوانمردی که از صفات خاص شما سربازان است بخرج دهید و بنویسید و بخواهید این کلمه منجمله بودن و غیر قانونی بودن را از روی حزب توده ایران بردارند، ما را آزاد بگذارند، بگذارند که آزادانه بفعالیت های سیاسی خود ادامه دهیم. در طرد استعمار و برانداختن کلیه نفوذ امپریالیستی، ما را آزاد بگذارند. ما بهیچ چیز جز سعادت ملت خود فکر نمیکنیم. قسم بحقیقت، سو گند به شرافت که عشقی جز وطن پرستی و نودوستی در مکتب ما نیست. هدف ما اینستکه یک مملکت بتمام معنی مستقل، یک حکومت ملی و بالاخره آنچنان رژیمی مستقر کنیم که همه از عالی و دانی، پیر و جوان، کارگر و دهقان و بالاخره از یک استاد دانشگاه گرفته تا یک کارگر ساده، همه با هم در رفاه و آسایش باشند و برادرانه زندگی کنند. اینست هدف و آمال و آرزوی حزب ما و مردم ما.

دنباله از صفحه ۱

صد سال از تولد ما کسیم گرجی...

او، که یکی از بزرگان محبوب و محترم ادب در سده ماست با تجلیلی فراوان و درخورد یاد شده است.

گر کی در آثار فراوان خود از زمان و نمایشنامه و قصه و قطعات موزون یا منظوم و مقالات انتقادی و سیاسی مدافع نیرومند انسان زحمتکش و آرمانهای اوست. وی زمانی در معرفی شخصیت خود این جملات را نوشت:

«اگر من مردی نقاد میبودم و قرار بود کتابی در باره ما کسیم گرجی بنویسم، آنگاه میکوشیدم تا در این کتاب بیان کنم چه نیروئی است که که گرجی را بدان کسی بدل ساخته است که اکنون وی چنان کسی است... این نیرو در آنست که وی نخستین کس در ادبیات روس و شاید از جهت زندگی شخصی خود نیز نخستین کسی است که اهمیت شکر کار و زحمت را که ما در همه چیزهای گرانها، زیبا و سترگ جهان است دریافته است.»

اما انسان پرستی گرجی که در آثار والای این نویسنده همه جا جلوه گر است، از این پرستش کار و زحمت جدا نیست. وی انسان پرستی را بمعنای نوعی احساس مسیحیائی و یکسان بهمه از سترگر و ستمکش نمیفهمید، بلکه برای آن رنگت و سمت طبقاتی مشخص قائل بود. وی میگفت:

«انسان پرستی پروولتاری خواستار کین و بیواری کاهش ناپذیر به روحیات کسبکارانه، به قدرت سرمایه داران و چاکرانشان، به انگلها، به فاشیستها، به دژخیمان و خائنان طبقه کارگر است. کین بآنچه که مایه رنج مردم است و نسبت بهمه آنکسانی که با رنج صد ها میلیون نفر زندگی میکنند.»

روش و مکتب گرجی در جهت فرهنگ و ادب نیز تماماً از همین باور او به انسان، باور او به زحمت برمیخاست. وی معتقد بود که در عرصه هنر و فرهنگ منطقه بیطرف و جور ندارد و فرهنگیان مترقی باید سلاح قلم را در کنار پتک کارگر و داس دهقان قرار دهند. وی در مقاله معروف خود «فرهنگیان! با که هستید» چنین نوشت:

«فرهنگیان با که هستید؟ با نیروهای جوشان فرهنگ برای آفرینش اشکال نوین زندگی یا بر ضد این نیروها، برای حفظ زمره راهزنان بی مسئولیت، زمره ای که سر تا پا در تباهی غوطه ور است؟»

موضع اجتماعی و قریحه پرتوان ادبی گرجی وی را بیکی از محبوب ترین نویسندگان جهان بدل کرده است. در کشور ما ما کسیم گرجی را خوب میشناسند. برخی از مهمترین آثار او از زمان، قطعات منظوم و نمایشنامه و مقالات، فارسی ترجمه شده است. تأثیر گرجی در ادبیات معاصر ایران عمیق است. لنین و گرجی این دو دوست صمیم که در طلیعه قرن ما بمثابة مظاهر عالی عقل و قلب جامعه انقلابی روس عمل کردند، به شخصیت های عظیم جهانی تاریخی بدل شدند و تأثیرات آنها در زمان و مکان، در ایجاد مدنیت نویناد انسانی بسی ژرف و دیرپاست. ۱. س.

دنباله از صفحه ۱

درباره جلسه مشورتی بوداپست

۲- بوروی کمیته مرکزی اطلاعیه جلسه مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری بوداپست را که کلیه مندوحات آن با نظریات ابراز شده از جانب هیئت نمایندگی حزب توده ایران انطباق دارد تأیید میکند و موافقت خود را با دعوت کنفرانس بین المللی جدیدی از احزاب برادر که قرار است قبل از پایان سال جاری در پایتخت اتحاد جماهیر شوروی تشکیل شود ابراز میدارد.

۳- بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران موافقت خود را با بیامی که از جانب جلسه مشورتی در مورد پشتیبانی تام از مبارزه دلاورانه خلق قهرمان ویتنام صادر گردیده است اعلام میدارد.

۴- حزب توده ایران با تمام نیروی خود برای کامیابی کنفرانس بین المللی احزاب برادر و تحکیم و تقویت وحدت و همبستگی همه کمونیستهای جهان بر مبنای اصول مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالسم پروولتری خواهد کوشید و بهمین منظور در کمیسیون تدارکی کنفرانس فعالانه شرکت خواهند نمود.

۵- بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران یکبار دیگر خرسندی خود را درباره تصمصات دموکراتیک که برای تدارک کنفرانس بین المللی در جلسه مشورتی بوداپست اتخاذ شده است ابراز میدارد و بویژه تصمیم دائر به دعوت کلیه احزاب را، ام از آنکه که در جلسه بوداپست شرکت داشته یا بعلمی در آن شرکت نجسته اند، برای شرکت در امور تدارکی کنفرانس بر پایه تساوی کامل و انجام کار خلاق جمعی با خرسندی تام مورد تأیید قرار میدهد.

۶- بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران اطمینان دارد که تدارک و تشکیل کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری بر پایه دستور مصوب، نه تنها زمینه بسیار مساعدی برای تحکیم همبستگی جنبش کمونیستی جهانی فراهم میسازد بلکه آنرا بمثابة گام مهمی در جهت اتحاد عمل کلیه نیروهای سوسیالیسم و دموکراسی و گرد آوردن تمام نیروهای ضد امپریالیستی جهان برای مبارزه متفق در راه استقلال ملی صلح و ترقی اجتماعی شمار میآورد.

دنباله از صفحه ۶

مردم ایران مبارزه میکنند

پیروز شوند و برخی از هدفهای خود برسند، در جریان تظاهرات دانشجویان، همه جا نیروهای پلیس و مأمورین سازمان امنیت مداخله کردند، آنها را مضراب نمودند، مورد توهین قرار دادند و عدهای را زندانی ساختند ولی همه جا دانشجویان دانشکده های مختلف از پشتیبانی دانشجویان سایر دانشکده ها و از پشتیبانی مردم و زحمتکشان برخوردار بودند. وقتیکه دانشسرای عالی در حال اعتصاب بود گروههای مختلف دانشجویان دانشگاه تهران می بندند.

دنباله از صفحه ۱

شعار های اول ماه مه

از شهیدان و قهرمانان جنبش کارگری و دموکراتیک ایران یاد کنید. روش فداکارانه آنها را سرمشق خویش قرار دهید.

۷- رژیم موجود ایران علیرغم عوامفریبی های کارگری و برخی رفورمها و عقب نشینی های سطحی، از جهت ماهیت طبقاتی خود دشمن طبقه کارگر است و میخواهد اساس سرمایه داری و استثمار را در پیوند نزدیک با سرمایه داری جهانی حفظ و تحکیم کند.

مبارزه با این رژیم و برای تحول ایران در جهت استقرار یک نظام ملی و دموکراتیک وظیفه مقدس کارگران ایران است.

۸- برای بدست آوردن حقوق حقه صنفی و آزادیهای سندیکائی خود متشکل شوید.

بزندگی سندیکائی محتوی واقعی بدهید. برای استقرار مجدد جشن اول ماه مه بعنوان جشن رسمی کارگران مبارزه کنید. از کلیه قوانین موجود که سود کارگران باشد استقاده نمانید.

۹- برای بالا بردن سطح دستمزد متناسب با بالا رفتن سطح زندگی تلاش کنید. متحداً با ییکاران بر ضد ییکاری و برای اشتغال ییکاران مبارزه نمانید. سیاست تفرقه نیروهای کارگری را که رژیم موجود دنبال میکند عقیم گذارید و از حق خود دائر به ایجاد سندیکائی واحد کارگری چه در مقیاس یک مؤسسه، چه در مقیاس محل یا سراسر کشور استقاده کنید.

۱۰- علاوه بر مبارزه در راه حقوق صنفی، در مبارزه سیاسی و اجتماعی نیز چنانکه در خورد نقش اجتماعی طبقه شماست همیشه پیشرو باشید. برای صلح، استقلال، دموکراسی، ترقی صنعتی و کشاورزی و رفاه عمومی مبارزه کنید. بویژه مبارزه در راه آزادیها و حقوق دموکراتیک مردم ایران را در مرکز توجه قرار دهید. وحدت خود را با دهقانان، پیشه و سایر دانشجویان بدانسرا آمند و پشتیبانی خود را اعلام نمودند. هنوز دانشجویان بهمه هدف های خود دست نیافتند، ولی اتحاد و مبارزه مسلماً آنها را پیروز خواهد ساخت.

۱۱- آنها بسن دانشجویان مبارزی چون رضوی، بزرگ نیا و قندچی که بخاطر دانشجویان در صحن دانشگاه تهران شهید شدند وفا دارند و روز ۱۶ آذر با بخش تراکتی که روی آن نوشته بودند: «۱۶ آذر، روز شهیدان دانشگاه رضوی، بزرگ نیا، قندچی» این وفاداری خود را ثابت نمودند.

۱۲- در تمام گوشه و کنار ایران مبارزه مردم ادامه دارد و عوامفریبی های رژیم، بیرحمی و خشونت سازمان امنیت و بیعدالتی دادگاههای نظامی و حبسهای سنگین و تبعید بنقاط دور دست قادر نیست این شعله را خاموش سازد. افراد ییکار جو در صفوف مختلف مردم شیوه مبارزه در شرایط اختناق، شیوه در آمیختن کار علنی و مخفی، شیوه استفاده از مبارزات قانونی را بیش از پیش فرا میگیرند و آنرا در زندگی روزانه ییکار می بندند.

۱۳- در شرایط اختناق، مبارزه مخفی و علنی را باید در این جهت ایده ثنی و سازمانی کاملاً آماده کرد. تردیدی نیست که کارگران ایران وظایف انقلابی خود را در این شرایط با شایستگی انجام خواهند داد. کمیته مرکزی حزب توده ایران

وران، روشنفکران و دانشجویان مترقی و کلیه قشراها و نیروهای دیگر ضد امپریالیستی و دموکراتیک جامعه تحکیم کنید.

۱۴- اشکال صحیح مبارزه را در شرایط کنونی فرا بگیرید. مبارزه مخفی و علنی را در آمیزید. در مبارزه، با ترکیب احتیاط و دقت از طرفی و جرأت و جسارت از طرف دیگر عمل کنید. براه تسلیم و ایپورتونیسیم نروید و در جاده ماجراجویی و انقلابیگری کاذب نیز گام نگذارید.

۱۵- ما اکنون در شرایط رژیم ترور اختناق، در شرایطی فوق العاده نامساعد مبارزه میکنیم. باید در این شرایط خود را از جهت ایده ثنی و سازمانی کاملاً آماده کرد. تردیدی نیست که کارگران ایران وظایف انقلابی خود را در این شرایط با شایستگی انجام خواهند داد. کمیته مرکزی حزب توده ایران

قابل توجه علاقمندان

به «نشریات توده»

با تقاضای خوانندگان و با ابراز تشکر از ایشان که آمادگی خود را برای پرداخت بهای نشریات توده اعلام داشته اند، بدنبوسیله بهای مهمترین نشریات توده به اطلاع همگان میرسد. ضمناً از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که نکات زیر را رعایت فرمایند:

- ۱) بهای نشریات را به حساب بانکی اعلام شده بپردازند.
- ۲) خوانندگان مقیم خارج از کشور معادل ریالی بهای نشریات را به پول کشور محل اقامت خود بپردازند.
- ۳) خوانندگان گرامی بابت نشریاتی که تاکنون دریافت داشته اند هر قدر میتوانند کمک کنند.
- ۴) مبلغ ارسالی را کتباً نیز بما اطلاع دهند.

نام نشریه	بها
ماهنامه مردم	۱۰ ریال
مجله دنیا	۴۰ »
مجله مسائل بین المللی	۲۰ »
ماینفست	۴۰ »
سرمایه (هر جلد)	۴۰ »
سخنرانی لنین در کنگره دوم	۲۰ »
کمونیستهای خاور زمین	۲۰ »
برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی	۲۰ »
اصول فلسفه مارکسیسم	۲۰ »
آخرین دفاع روزبه	۲۰ »
یاد داشتهای فلسفی و اجتماعی	۴۰ »
گشومات	۴۰ »
خان و دیگران	۱۰ »
یادنامه شهیدان	۲۰ »
رژیم ترور و اختناق	۱۰ »
خیانت او بوطنش	۲۰ »
حق ملل در تعیین سرنوشت خویش	۳۰ »

Sweden
Stockholm,
Stockholms Sparbank
شماره حساب بانکی
C-1265-5

خلق قهرمان ویتنام امپریالیسم ددمش آمریکا را از لحاظ نظامی و اخلاقی درهم شکسته است . این خلق در آستانه پیروزی نهائی است . درود آتشین به دلاوران ویت نام !

دانشجو کیست؟

طرح مسئله

موقع طبقاتی دانشجو

مدتی است که در جنبش دانشجویی و همه محافل علاقمند به جنبش دانشجویی بحثی در باره یک رشته مسائل دانشجویی درگیر شده است. از جمله در باره: ماهیت و خصالت دانشجو و سازمانهای دانشجویی و نقش و وظائف آنها در اجتماع (البته بطور مشخص در اجتماع سرمایه داری)، اهمیت مبارزه صنفی و سیاسی و چگونگی تلفیق آنها و نظائر آن. در این بحث مسائل و تعاریفی که بنظر میرسید روشن است زیر علامت سؤال و حتی مورد مخالفت قرار گرفته، اختلاف بر سر مسائل نظری تستت فکری را به همراه آورده و این هر دو به پراکنده گئی در عمل منجر شده است. علت این وضع بطور عمده عبارت از وجود اختلاف در جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و بروز بیماری چپ روی و بصیحه آمدن نسل جوانی است که هنوز آگاهی سیاسی و تجربه عملی کافی ندارد. از نتایج منفی که این وضع بار آورده که بکنیم این بحث بخودی خود سالم و مثبت است، زیرا در جریان آن اولاً نظریات روشن میشود؛ ثانیاً نظریات نادرست افشاء و طرد میگردد؛ ثالثاً نظریات درست دقیقتر میشود، غنی تر میگردد و تکامل مییابد و بالاخره وحدت فکری که پایه وحدت عملی است در سطح عالیتری بوجود میآید. به همین جهت ما با اینکه در فرصتهای گوناگون نظر خود را در باره این مسائل گفته ایم باز دیگر در این بحث شرکت میکنیم. شایان ذکر است که ما در این بحث قصد پلیمیک با کسی را نداریم و فقط نظر مستقل خود را بیان میکنیم. نخستین بحث را از «دانشجو کیست؟» آغاز میکنیم.

کار دانشجو تحصیل است. یعنی دانشجو بدون اینکه در تولید اجتماعی شرکت داشته باشد از نتایج آن برخوردار است. زندگی مادی و مخارج تحصیل دانشجو را در اکثریت مطلق آنها خانواده او تأمین میکند. در تئوری همه کس میتواند دانشجو بشود. از فرزندان مالکان و سرمایه داران و خریده بورژوازی گرفته تا کارگران و دهقانان. نتیجه اینکه دانشجو طبقه ای نیست، بلکه قشری است مختلط مرکب از وابستگان به طبقات گوناگون اجتماعی، لذا در میان آنها علاوه بر وابستگان به طبقات متحد وابستگان به طبقات متضاد اجتماعی نیز وجود دارد. در عمل فقط کسانی میتوانند دانشجو بشوند که بتوانند زندگی مادی و مخارج تحصیل خود را تأمین کنند و البته اینها بطور عمده خانواده های مالک و سرمایه دار و خریده بورژوازی هستند. در حالیکه حتی در کشورهای سرمایه داری رشید یافته فقط درصد کوچکی از فرزندان زحمتکشان میتوانند به تحصیلات دانشگاهی بپردازند (مثلاً در آلمان غربی ۵ درصد و در انگلستان ۴ درصد) روشن است که در کشورهای کم رشد تحصیل دانشگاهی برای فرزندان کارگران و دهقانان از نادر است. نتیجه اینکه اولاً دانشجو بطور عمده متعلق به خانواده های مرفه است. ثانیاً چون در بین خانواده های مرفه اکثریت را از نظر صافی خریده بورژوازی تشکیل میدهد، دانشجویان وابسته به خریده بورژوازی نیز از نظر کمتری در اکثریت اند. دانشجویان صرف نظر از وابستگی طبقاتی خود بعلت وضع هم مانند خود بعنوان دانشجو دارای منافع و مناسبات خاصه اند.

«شعله جنوب»

ارگان حزب توده ایران در خوزستان منتشر شد

شماره ۱۴ «شعله جنوب» منتشر شد. در این شماره کوششی که رفقای حزبی ما در بهبود مطالب و شکل روزنامه دارند کاملاً محسوس است. در این شماره پیامی از رفیق صابیر محمد زاده درج شده است. چنانکه میدانیم رفقا صابیر محمد زاده و آصف رزم دیده پس از هشت ماه بلا تکلیفی در دادگاه در بسته نظامی بترتیب ۷ و ۶ سال زندان محکوم شده اند. رفیق محمد زاده در پیام خود می نویسد: «به عضویت حزب پر افتخار توده ایران اعتراف کرده ایم و قول میدهم تا آخرین لحظه این نام را لکه دار نکنیم.»

سرمقاله این شماره به روز شهیدان اختصاص دارد. مقاله با این جملات خاتمه می یابد: «بخون شهیدان نهضت صادقانه و صمیمانه سوگند یاد می کنیم که پیگیر و خستگی ناپذیر راهشان را دنبال کنیم و هدفشان را گرامی داریم.»

«شعله جنوب» زندگی کارگران و زحمتکشانی را در برخی مقالات و اخبار خود منعکس نموده و از مبارزات و مطالبات حقه

آنها پشتیبانی کرده است. در مقاله دیگر که به مبارزه قهرمانانه مردم ویت نام اختصاص دارد روزنامه این نبرد دلاورانه را ستوده و از زحمتکشان ایران خواسته است که به مبارزه مهن پرستان فداکار ویت نام از هر باره کمک کنند.

در مقاله ای تحت عنوان «بطور بی گیر قوانین مبارزه و سازماندهی مخفی را رعایت کنیم!» شعله جنوب در باره یک سلسله قواعد مبارزه در شرایط تسلط رژیم ترور و اختناق سخن گفته است. شعله جنوب تصریح کرد که رزمندگان باید فن مبارزه مخفی فرا گیرند و با بکار بردن دقیق آن، مبارزه ما و فعالیت بی وقفه سازمانهای حزبی را تأمین کنند.

ما به رفقای که در شرایط تیره ترور و وحشت سازمان امنیت شعله پر فروغ مبارزه و تبلیغ و افشاء گری انقلابی را روشن نگاه میدارند درود میفرستیم و اطمینان داریم که شعله جنوب در پرتو مبارزات آتشین خود روز بروز قلوب آماده مردم ایران را روشن تر و گرمتر خواهد ساخت.

مردم ایران مبارزه میکنند

دستگاههای تبلیغاتی رژیم میخواهند ایران را بیعت و مردم ایران را غرق در خرسندی و خوشبختی معرفی کنند ولی واقعیت از این ادعاها بسی دور است. مردم از زندگی روز مره خود ناخرسندند و برای حقوق خود، علیرغم فشار و اختناق مبارزه میکنند. اینک صحنه هائی از مبارزات کارگران، معلمین و دانشجویان:

چند ماه پیش شرکت نفت عده ای از کارگران پالایشگاه آبادان را به تهران منتقل و از حقوق آنها ۲۵ درصد تحت این عنوان که به نقطه خوش آب و هوا منتقل شده اند کسر نمود. مبارزه پیگیر کارگران شرکت را و داشت که بیزان شش ماه حقوق بعنوان از دست دادن امتیازات با آنها بپردازند. فشار سازمان امنیت و خطر بیکاری کارگران را وادار میکنند که باین تعین اجباری تن در دهند. شرکت نفت از ترس مقاومت جمعی کارگران آنها را یکا یک به دفتر احضار میکند و ورقه ای را با امضاء آنها میرساند مبنی بر اینکه با میل خود حاضر میشوند حقوق کمتری بگیرند و از خانه و زادگاه خود تبعید شوند.

رژیم فقط حقوق کارگران را کسر نمیکند اخیراً بنام مخارج جشنهای ۲۵ ساله و جشنهای تاجگذاری حقوق ناچیز کارگران

کارمندان و فرهنگیان را کسر نمودند، حق تأهل فرهنگیان را در اسفند ماه نپرداختند و گفتند بودجه نیست، رتبه های عقب افتاده را نمیدهند، در ماههای گذشته معلمین در آن و در شهرستانها موفق شدند یک رتبه عقب افتاده را با مبارزات پیگیر و متحد خود بگیرند ولی بقیه خواسته های آنها با آنکه با سر سختی در راه آن مبارزه کردند بر آورده نشد زیرا مخارج تاجگذاری را باید طوری پر کرد لذا از اضافات میزند، رتبه ها را نمیدهند جریمه را زیادتر میکنند، و حالا هم میخواهند از هر عابری که از محل خط کشی شده رد نشد پنجاه تومان بگیرند و جرائم رانندگی را ۱۰ برابر کنند، بودجه دانشکده ها را کم کنند و تعهدات خود را در قبال دانشجویان انجام ندهند.

بهمین دلیل در ماههای آخر سال گذشته دانشجویان پلی تکنیک، دانشجویان دندانپزشکی، دارو سازی، دانشسرای عالی در تهران، برخی از دانشکده ها در شهرستانها دست به مبارزه زدند، دانشجویان در تهران با پخش تراکت، با ارائه خواسته های خود به مقامات مختلف، با تشکیل میتینگ و تظاهرات و بالاخره با اعتصاب و حاضر نشدن سر کلاس تا اعتصاب گرسنگی توانستند بطور نسبی دنباله در صفحه ۵

گلوله زاد پرستان امریکائی مارتین لوتر کینگ را از پای در آورد

دکتر مارتین لوتر کینگ کشیش سیاه پوست امریکائی راهن گام که در بالکن عمارتی در شهر ممفیس ظاهر شده بود گلوله ای که از عمارت مقابل شلیک شده از پای در آورد. کینگ پس از ساعتی در گذشت، قتل غبارانه دکتر مارتین لوتر کینگ لیدر جنبش سیاهان امریکا و دارنده جایزه صلح نوبل در این کشور و بوئیه در میان سیاهان امریکائی زلزله ای ایجاد کرد. خشم سیاه بار دیگر شعله زد. در دهها شهر امریکا سیاهان به اعمال قتل و تیراکی پسران سفید پوست با اعمال قدرت با مصلحت دانسته، شیکاگو، واشنگتن نیویورک و شهر های دیگر در آتش غوطه ور شد. دکتر کینگ از هواداران و مروجان

شبهه عدم اعمال زور بود ولی این روش او فایده ای نداشت که دشمنان حقوق سیاهان او را با عمل زور از پای در آورند. جانسن میکوشد با تظاهرات عوام فریبانه از خشم شوزان سیاهان امریکا بکاهد ولی آنچه برای سیاهان لازم است حقوق واقعی بشری است نه عواقریبی و تا زمانی که این حقوق در عمل در زندگی بطور کاملاً واقعی تحقق نیابد هیچ قدرتی نمیتواند سیاهان امریکائی را که بیدار شده و به نبرد برخاسته اند به تسلیم وادارد. وجدان بشری در طرف جنبش سیاهان امریکائی است. امپریالیسم امریکا با این جنایت تازه بار دیگر چهره کزین خود را نشان داد و یک گام دیگر لحظه زوال قطعی خود را نزدیک تر کرد.